

فلسفه دعا از دیدگاه استاد جعفری

دکتر غلامرضا اعوانی

(متن سخنرانی)

مقدمه

جای افتخار است که این شهر علم پرور، کسانی مانند مرحوم علامه طباطبایی و مرحوم استاد جعفری را پرورش داده است. این دو متفکر از بارزترین و برجسته‌ترین شخصیت‌های علمی معاصر ایرانند، بنده خدمت استاد جعفری ارادت خاصی داشتم اولاً بارها از خدمت ایشان برای ایراد سخنرانی در انجمن حکمت و فلسفه، دعوت کرده بودیم، تقریباً سالی یکبار تشریف می‌آوردند و در باب موضوعهای مختلفی به ایراد سخنرانی می‌پرداختند. ایشان به مطالب تحقیقی مختلفی می‌پرداختند، از مثنوی گرفته تا مسائل دیگر. خدا ایشان را بیامرزد، پیش از آمدن همیشه نیم ساعت استراحت می‌کردند قبل از آنکه به سخنرانی بپردازد تشریف می‌بردند و استراحت می‌کردند و در ساعت مقرر تشریف می‌آوردند. تأکید بر صفت تواضع استاد شد شخصی بود فوق‌العاده متواضع و فروتن و واقعاً در این مورد نظیر نداشت بسیار کم‌نظیر بود هر چه درباره او بگوییم کم گفته‌ایم، یکی از خصوصیات ایشان علاوه بر فضایل فراوانی که داشتند - که دوستان بحث خواهند کرد و بنده وارد آن نمی‌شوم - این بود که از لحاظ علمی یک عالم زمان و یک عالم امروزی بود یعنی فقط خواندن یک سلسله مسایل در علم خاص مطرح نبود، بلکه در واقع در مسائل زمان تبحر داشت، این حدیث حضرت امام صادق (ع) که فرمودند: «العالم بزمانه لاتحکم علیه...» در واقع ایشان نمونه بسیار با ارزشی از این حدیث

بودند یعنی همیشه با مسائلی روبرو می‌شدند که مسائل روز محسوب می‌شوند حالا اگر مسئله حقوقی بود مسئله فقهی بود، مسئله فلسفی بود، مسئله‌ای درباره انسان، کرامت انسان، شرافت انسان یا فرض کنید حقوق اسلامی، برای ایشان فرق نمی‌کرد وارد می‌شدند و سعی می‌کردند که آن مطالب لازم را ببینند، فکر کنند و نظر اجتهادی خودشان را ابراز کنند بنابراین یکی از معدود کسانی هم بود که بیشتر در کنگره‌هایی که در خارج تشکیل می‌شد، شرکت می‌کرد در مباحث بسیار بسیار فعال بود و همیشه آراء و نظرات را با دقت خاصی گوش می‌کردند، فکر می‌کردند و نظر خاص خودشان را می‌دادند اگر مسئله‌ای بود که نیازمند تأمل بود، بعداً درباره آن مطالعات بیشتری می‌کردند. ما می‌بینیم که کتابهای ایشان گستره بسیار وسیعی را شامل می‌شوند، چقدر کتاب درباره هنر داریم کتابی که درباره فلسفه هنر نوشته شده باشد؟ در حال حاضر فلسفه هنر یکی از مباحث بسیار عمده در دانشگاه‌های ما و در دانشکده‌های هنر و هنرهای زیبا و معماری در سطح بالا است. در کشورهای خارجی آنهایی که مثلاً می‌خواهند معمار بشوند، پنج سال، شش سال مسائل نظری را می‌خوانند. یعنی دقیقاً با نظریه‌ها آشنا می‌شوند. برای اینکه فن معماری را خوب فرا بگیرند. واقعاً میان معماران و هنرمندان غربی امروز کسانی هستند که به معنای حقیقی اهل نظر هستند، ایشان برای مثال یک کتاب خیلی خوبی درباره فلسفه هنر نوشته‌اند که کتابهای خوب در این زمینه به زبان فارسی کم است. یا همانطوری که اشاره شد درباره حقوق و مسائل روز و مسائلی که مورد نیاز است ما از این گونه دانشمندان کم داریم و خوشبختانه دو تن از برجسته‌گان آنها از همین شهر بودند. مرحوم علامه طباطبایی فرمودند وقتی من وارد قم شدم نگاه کردم ببینم قم چه نیازی دارد نه اینکه اکتفا کردم به آن چیزهایی که بود بلکه به نیازهای روز، خوب، در حوزه قم تفسیر نبود در یک حوزه‌ای که تفسیر نباشد مسلم است که عیب بزرگی است سعی کردند این خلأ را پرکنند در آن حوزه، فلسفه یا علوم عقلی ضعیف بود سعی کردند این خلأ را پرکنند و ما دیدیم که چه تأثیر بسیار مهمی داشته است.

مسئله دعا از دیدگاه استاد جعفری

مسئله‌ای که بنده برای بحث انتخاب کرده‌ام مسئله دعا از دیدگاه مرحوم علامه جعفری

است. بنده این موضوع را به چند جهت انتخاب کرده‌ام، نخست اینکه ایشان کتابی نوشته است که بنده در سال پیش که خدمتشان رسیدم به بنده عرضه کردند که این کتاب بسیار خواندنی است. ایشان در این کتاب دعای عرفه را به فارسی بسیار خوب و استوار ترجمه و شرح کرده‌اند. بنده این کتاب را همیشه در روبروی خود داشتم کتاب را گاهی می‌گرفتم می‌خواندم و بسیار لذت می‌بردم. و واقعاً این مسئله یعنی مسئله دعا هم در تفکر ایشان مورد غفلت قرار نگرفته است. بنابراین هر وقت این کتاب را می‌خواندم یادداشتهایی نیز برمی‌داشتم و این یادداشتهای را الان اینجا تنظیم کرده‌ام البته این بحث حاصل تأملات ایشان در این کتاب است. ما در مباحث خود بحثی بنام فلسفه دعا نداریم، ولی اگر تأملاتی را که در این کتاب صورت گرفته است در مجموع جمع کنیم، واقعاً می‌شود از مجموع اینها به فلسفه دعا تعبیر کرد.

در این کتاب می‌توان از دو رویکرد نسبت به دعا سخن گفت: یکی رویکرد عقلی یعنی فلسفی است و دیگری رویکرد عرفانی است.

رویکرد فلسفی و تعقلی به دعا

در باب رویکرد عقلی ایشان به دعا می‌توان موارد ذیل را بیان داشت:

مرحوم استاد اعتقاد داشتند که اگر ما در باب دعا تعقل کنیم پنج فایده دارد. البته دلیل آن را بیان نکرده‌اند ولی این پنج فایده را ذکر کرده‌اند. حالا بنده سعی می‌کنم اگر بتوانم در این وقت بسیار کم یک دلیل فلسفی نیز بر آن ارائه خواهم داد.

۱- دلیل اول آنست که می‌گویند، خداوندا! من برای تکامل مادی و معنوی که در این دوران زندگی آماده شده‌ام برای من آگاهی عطا بفرما تا بتوانم علل محاسبه نشده را که از هر سو به طرف من سرازیر می‌گردند به حساب در آورده و هر چه بتوانم موانع را از پیش پا بردارم. پس دلیل اول آن نیست که انسان برای خودش در زندگی خود محاسبه می‌کند اما انسان واقعاً موجود محدودی است و واقعاً هم از لحاظ علم و هم از لحاظ قدرت و هم از لحاظ دیگر صفات‌اش، نامتناهی نیست و موجودی متناهی است و انسان باید وجود متناهی خودش را بپذیرد. وقتی آدم متناهی است نمی‌تواند وجود متناهی فکر لایتناهی را بکند

بنابراین عللی وجود دارند که محاسبه نشده‌اند و به تعبیر استاد، عللی که از هر سو به طرف انسان سرازیر می‌شوند.

دعا یعنی توسل به خداوند و فایده‌ای که دارد این است که این وجود متناهی به وجود نامتناهی وصل می‌شود و خداوند را انسان وکیل می‌گیرد، «تَتَّخِذُ وَكِيْلًا». خداوند موجودیست نامتناهی و اراده‌ او، علم او، قدرت او، و تمام صفات او نامتناهی در نامتناهی است. خداوند می‌تواند یک کاری را از راههای نامتناهی انجام بدهد این را حالا عرض می‌کنم که این مسئله خیلی قابل تأمل است، ما می‌توانیم یک کارکرد را از یک یا دو راه انجام بدهیم، بیشتر از این در قدرت ما نیست. یعنی خداوند می‌تواند تسخیر جنود نامتناهی بکند چون عالم به تعبیر قرآن جنود خداوند است «ولله جنود السموات و الارض» این موجوداتی که جلوه او هستند، ذرات عالم، مستخر او هستند. خداوند می‌تواند یک راهی را انتخاب بکند که چند واسطه داشته باشد. دو واسطه، سه واسطه، چهار واسطه، پنج واسطه، یا بدون واسطه، این در قدرت الهی است یعنی کار الهی مثل کار ما نیست که محدود باشد. شاید دعا باعث بشود که خداوند غیر از آن راهی که باید انتخاب می‌کرد یک راهی را انتخاب بکند که مناسبتر باشد اگر بخواهیم یک تعبیر فلسفی بکنم در واقع توسل ممکن است یک چنین فایده‌ای داشته باشد.

۲- دلیل دوم که جناب استاد ذکر کرده‌اند نیرو گرفتن از ماوراءطبیعت است، بهره‌برداری از ماوراءطبیعت در برآورده شدن نیازهای مادی و معنوی، این هم باز به نحوی با دلیل اول ارتباط دارد و به نحوی می‌تواند دلیل مستقلی لحاظ بشود. در واقع قدرت انسان متناهی است. اما چون خداوند قدیر است بنابراین وقتی قدرت متناهی او با قدرت نامتناهی خداوند متصل شود مسلماً انسان می‌تواند نیازهای مادی و معنوی خود را بیشتر برآورده بکند.

۳- دلیل سومی که می‌آورم و خیلی هم بر آن تأکید دارم و حتی در متون غربی، بعضاً با مطالعاتی که انجام داده‌ام، متفکران غربی نیز این مسئله را یافته‌اند که دعا تماس بی‌نهایت کوچک با بی‌نهایت بزرگ است، انسان بی‌نهایت کوچک به تعبیر استاد با خداوند بی‌نهایت بزرگ متصل می‌شود و بنابراین باعث می‌شود که تمام آرزوهای او برآورده بشود.

اگر بخواهیم تفسیر فلسفی بکنیم، به تعبیر فلاسفه، انسان به یک معنا موجودی نامتناهی است، به یک معنا موجود نامتناهی موجودیست نه مانند موجودات دیگر. وجود او و صفات او واقعاً با موجودات دیگر فرق دارد انسان جامع جمیع اسماء و صفات الهی است و به تعبیری که در قرآن آمده است خداوند تمام اسماء خودش را به او تسلیم کرده است. اشتباه بزرگی که انسان می‌تواند مرتکب بشود و بشر امروز نیز مرتکب شده است و خیلی‌ها مرتکب شده‌اند این است که بخواهند از غیر خداوند واقعاً استمداد کنند. غیر خداوند هر چه باشد عالم به این عظمت در برابر وجود انسان هیچ است و نمی‌تواند انسان را ارضاء کند مطلقاً، انسان نامتناهی است و برای نامتناهی آفریده شده است. بدین دلیل است که از قول یکی از عرفا می‌گوید که عرش خدا و عالم و هزاران و هزار برابر که در برابر قلب عارف کامل قرار بگیرد، ذره‌ای از ذرات آن در قلب او جای نمی‌گیرد. در اینجا انسان به یاد این حدیث قدسی می‌افتد، که در آن خداوند به حضرت داود فرمود: ای داود، من تو را برای خودم آفریدم و عالم را برای تو. و این مسئله بسیار مهم است که انسان فقط و فقط برای خدا آفریده شده است و برای عالم آفریده نشده است. انسان اگر بخواهد خلاء وجودی خودش را با عالم پر کند این کار موجب اضطراب و تشویش او می‌شود. تمام تشویش آدم امروز دقیقاً از همینجا ناشی شده است.

بنابراین دعا در امر اتصال به نامتناهی نقش بسیار عالی و متعالی دارد این برمی‌گردد به اینکه انسان صورت خداست.

شاعر می‌گوید که من شراب عشق را جامی بعد از جام خوردم اما نه من سیراب شدم و نه شراب پایان گرفت. این وجود انسان است که واقعاً سیراب نمی‌شود جز با حضرت حق. این خلاء را فقط و فقط خدا و توکل به خدا پر می‌کند. اگر انسان از لحاظ دینی و فقهی راه دیگری برود صد در صد محو می‌شود.

۴- دلیل چهارم تحصیل آرامش روحی است. دعا تحصیل آرامش روحی است. خداوند می‌فرماید «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ» فقط اطمینان در ذکر خداست و فقط بنام خدا دل آرام می‌گیرد و ذکر خدا بالاترین است. دعا یکی از بالاترین شعب ذکر خداوند است. مسلماً توجه تام، در طول دعا حاصل می‌شود.

۵- دلیل پنجم بدست آوردن نیرو برای کوشش با محتوا است، قید محتوا یعنی کوشش با معنی و هر معنایی که در عالم است این معنی از خداوند است. اگر چیزی معنا داشته باشد آن معنا از خداوند است و غیر از خداوند نمی‌تواند باشد بنابراین خداوند است که می‌تواند این کوشش را معنی‌دار کند.

رویکرد عرفانی به دعا

در این کتاب، استاد جعفری آیات و روایاتی را در باب دعا نقل کرده‌اند که برای مؤمن بسیار قابل تأمل است. مانند این سخن که: «اگر دعا نباشد خداوند اصلاً به شما اعتنا نمی‌کند». این برای شخص مؤمن یک هشدار است که اگر دعا نباشد یعنی خواندن خدا نباشد خدا به انسان توجه ندارد. انسان هنگامی که به خداوند توسل می‌جوید محور توجه خدا قرار می‌گیرد. اگر بنده بخواهم از لحاظ عرفانی وارد معنای این آیات بشوم وقت خیلی تنگ است و مسلماً از حوصله این بحث خارج است. بنابراین من درباره آیات و تفاسیر عرفانی که، هر یک از این آیات دارند وارد نمی‌شوم.

فلسفه دعا در اشعار عرفانی

مسئله دیگر عبارت از تأمل در فلسفه دعا از منظر اشعار بسیار زیبای عرفانی است استاد از تمام شعرای ایرانی در باب این رساله استفاده کرده‌اند، یعنی با تسلط کاملی که به ادبیات داشتند، نه تنها از مثنوی و حافظ بلکه از سعدی و شعرای دیگر به مناسبت معنی، اشعاری را آورده‌اند. مسئله‌ای که مطرح می‌کنم این است که آیا دعا با سعی و کوشش انسان منافات دارد یا ندارد؟ آیا باید انسان دعا بکند و از سعی و کوشش دست بردارد؟ ایشان در پاسخ، آیاتی را ذکر می‌کنند که در آنها دعا کردن اصلاً مستلزم این نیست که انسان به کار و کوشش نپردازد «لیس الانسان و الامامی». ایشان این آیه و آیات دیگری را در این مثال می‌زنند.

دوم اینکه دعا موجب ذکر است و ذکر موجب تفکر می‌شود. ذکر می‌شود که در آن فکر نباشد ذکر را کد است. و حداقل، خاصیت دعا اینست که دعا موجب ذکر و ذکر موجب فکر

می‌شود و یا لا اقل فکر را از رکود خارج می‌کند :

اینقدر گفتم باقی فکر کن فکر را کد بود رو ذکر کن
ذکر را بر فکر آور اهتزاز ذکر را خورشید این افسرده ساز

سؤال - آیا هر دعایی لیبیک دارد یا نه؟ بله هر دعایی لیبیک دارد. همین که گفتی «یا الله» خدا می‌فرماید: لیبیک. منتهی در حدیث است مولوی هم در شعر آورده که خداوند بنده‌ای را که دوست داشته باشد برای اینکه موجبات تقرب او فراهم گردد، دعای او را زود استجابت نمی‌کند و نمی‌خواهد بنده‌اش زود از دستش برود یا در دنیا استجابت نمی‌کند یا آنکه به تأخیر می‌اندازد، یا اصلاً استجابت او را به آخرت می‌برد. احادیث زیادی در این مورد نقل شده و مولوی نیز آنها را به شعر آورده است.

پرسش دیگر اینکه آیا از اهل عرفان که اهل ذوق اند کسانی هستند که دعا نکنند. مسأله دیگر اینکه از نظر استاد هم دعا و هم اجابت، از خداوند است، از توفیقات الهی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی